

بحران هویت؛ مهم‌ترین دغدغه دختران نسل

جدید

30 تیر 1405

دغدغه‌های دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. تغییر الگوهای مرجع، گسترش فضای مجازی و تحولات فرهنگی از جمله موضوعاتی است که کارشناسان از آنها به عنوان عوامل اثرگذار بر سبک زندگی و اولویت‌های نسل جدید یاد می‌کنند.

در همین راستا با اعظم شیری، دانشجوی دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، پژوهشگر حوزه زن و خانواده گفتگو کردیم.

اگر بخواهید دغدغه‌های دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله را اولویت‌بندی کنید، سه مورد نخست چه خواهند بود؟

شیری: دغدغه‌ها متفاوت است و نمی‌توان یک نسخه واحد برای همه دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله ارائه کرد. بخشی از دغدغه‌ها را باید به صورت کلی دید و بخشی دیگر را متناسب با شرایط منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای بررسی کرد. شرایط مختلف قطعاً در تغییر اولویت‌ها و دغدغه‌های دختران تأثیرگذار است.

اگر بخواهیم با توجه به ارتباطی که با دانشجویها و نوجوان‌ها داریم، به مهم‌ترین دغدغه این روزها اشاره کنیم، شاید بتوان از تغییر شخصیت یا به تعبیر دقیق‌تر، نداشتن الگوی واحد و منسجم نام برد.

در گذشته دختران الگوهای ثابتی داشتند؛ مادر، عمه، خاله، زن‌عمو، زن‌دایی و زنانی که در اطرافشان بودند، الگوهای مرجع آنها محسوب می‌شدند. حتی سلبریتی‌هایی که می‌دیدند نیز تقریباً دغدغه‌های مشترکی داشتند و همه به سمت یک آرمان حرکت می‌کردند، اما امروز به لطف رسانه‌ها این موضوع ضریب بسیار بالایی پیدا کرده است.

امروز این پیام منتقل می‌شود که لازم نیست شبیه کسی باشید یا خودتان را به جایگاه فرد دیگری برسانید؛ بلکه خودتان می‌توانید یک مرجع و الگو برای دیگران باشید. همین سیالیت و نبود مرجعی که بتواند این وضعیت را سامان دهد، یکی از مسائل اصلی دختران و نوجوانان امروز است. بنابراین نخستین مسئله را باید نبود یا سیالیت الگوهای مرجع دانست. دومین مسئله، حضور فضای مجازی در زندگی است. فضای مجازی بسیاری از معادلات را تغییر داده است.

در گذشته بسیاری از امکانات و سبک‌های زندگی در اختیار گروه‌های خاصی بود و همه به آنها دسترسی نداشتند، اما امروز رسانه این تصویر را بازنمایی می‌کند که دیگر چیزی به نام حریم خصوصی وجود ندارد. امروز دختری که در پایین‌ترین سطح اقتصادی یا در نقطه‌ای دور از امکانات زندگی می‌کند، آرزوهای خود را بر اساس سبک زندگی فردی در نقطه‌ای دیگر شکل می‌دهد. همین مسئله تأثیر عمیقی بر ذهن و سبک زندگی او گذاشته است. به همین دلیل، حضور عمیق و آمیختگی فضای مجازی با واقعیت

زندگی، دومین مسئله مهم دختران امروز به شمار می‌رود.

سومین مسئله، ضعف مهارت‌های فردی و اجتماعی است. دختران امروز در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خودشناسی، حل مسئله، کنترل هیجان، مهارت‌های ارتباطی، همسرداری، مادری و سایر مهارت‌های زندگی، آموزش کافی دریافت نکرده‌اند. گویی فرآیند جامعه‌پذیری و تبدیل شدن به یک شهروند مسئول و یک انسان توانمند، آن‌گونه که باید، در آنها شکل نگرفته است.

وقتی با گروه‌های مختلف دختران صحبت می‌کنیم، به‌وضوح می‌بینیم که بسیاری از آنها متناسب با سن خود برای پذیرش مسئولیت‌های مختلف آماده نیستند و درک درستی از بسیاری از مسائل ندارند. شاید این موارد به‌تنهایی کلان‌مسئله نباشند، اما ریشه بسیاری از دغدغه‌های امروز دختران را تشکیل می‌دهند و سایر مسائل نیز تحت تأثیر همین عوامل قرار می‌گیرند

آیا این دغدغه‌ها در مقایسه با یک دهه گذشته تغییر کرده‌اند؟

دکتر رویا درویش پیشه- مرکز مشاوره حال خوب

شیری: قطعاً دغدغه‌ها متفاوت شده‌اند. در گذشته دختران ما به دنبال مسائل دیگری بودند و اولویت‌هایشان چیزهای دیگری بود. اگر به ۱۰ سال قبل برگردیم، هنوز مادری و همسری در اولویت

دغدغه‌های بسیاری از دختران قرار داشت، اما امروز این اولویت‌ها تغییر کرده است.

امروز بیش از هر چیز، خود فرد، آرزوها، اشتیاق‌ها و خواسته‌های شخصی او اهمیت پیدا کرده است. فردگرایی مطلق بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و زمانی که اخلاق و بسیاری از روابط اجتماعی تحت تأثیر مبانی لیبرالی و نگاه مبتنی بر سود و منفعت قرار می‌گیرد، طبیعی است که سبک تصمیم‌گیری افراد نیز تغییر کند.

امروز بسیاری از دختران حتی درباره ازدواج نیز با همین نگاه تصمیم می‌گیرند و این پرسش را از خود می‌پرسند که آیا این ازدواج به سود من است یا به ضررم؟ این نگاه نسبت به گذشته تفاوت قابل توجهی پیدا کرده است؛ به‌ویژه با ظهور فضای مجازی، تأثیر مستقیم آن بر زندگی روزمره و در دسترس بودن دائمی آن، این تفاوت‌ها پررنگ‌تر شده است.

البته این به معنای آن نیست که دغدغه‌های گذشته از بین رفته‌اند؛ آنها همچنان وجود دارند، اما مسائل کلان‌تری نیز به آنها اضافه شده است. ما در علوم اجتماعی مفهومی به نام «درهم‌تنیدگی مسائل» داریم؛ یعنی مسائل آن‌قدر به یکدیگر گره خورده‌اند که مانند یک کلاف پیچیده شده‌اند. این درهم‌تنیدگی از سال‌های گذشته آغاز شده و هر سال، هر دهه، هر شرایط اجتماعی و هر موقعیت جدید، جنس این دغدغه‌ها را تغییر داده و آنها را متفاوت‌تر کرده است.

شاید مهم‌ترین تغییری که بتوان به آن اشاره کرد، این باشد که انسان گذشته خود را مکلف می‌دانست؛ خود را بنده خدا و مخلوق خدا می‌دید و تلاش می‌کرد تکلیفش را انجام دهد، اما امروز بیش از آنکه به تکلیف بیندیشد، خود را صاحب حق می‌داند. امروز افراد بیشتر به دنبال حق خود از خانواده، جامعه، همسر و دیگران هستند و این تغییر، ریشه در تحول مبانی معرفتی، ارزشی و هنجارهای اخلاقی جامعه دارد.

تغییر در این مبانی و سیال شدن آنها، به‌طور طبیعی جهان امروز را نیز دستخوش تغییر کرده است. در گذشته میان شهرهای بزرگ و کوچک تفاوت‌های زیادی وجود داشت و افراد عمدتاً سبک زندگی مشابهی داشتند، اما امروز رسانه‌ها و فضای مجازی این فاصله‌ها را از میان برداشته‌اند. امروز هر فرد می‌داند یک سلبریتی خارجی چگونه زندگی می‌کند، چه می‌پوشد، چه می‌خورد و چه سبک زندگی‌ای دارد. حتی درباره سلبریتی‌های داخلی و افرادی که در فضای مجازی مشهور شده‌اند نیز همین وضعیت وجود دارد. فضای مجازی تقریباً چیزی را خصوصی باقی نگذاشته و همین مسئله بر شکل‌گیری خواسته‌ها، انتظارات و دغدغه‌های نسل جدید تأثیر جدی گذاشته است.

تفاوت دغدغه‌های دختران در شهرهای بزرگ و مناطق کوچک‌تر را چگونه می‌بینید؟

شیری: اگر بخواهیم دختران تهران را با دختران شهرهایی مانند قم مقایسه کنیم، ممکن است در ظاهر تفاوت‌هایی دیده شود، اما وقتی به لایه‌های زیرین و عمق مسئله نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این دغدغه‌ها در بسیاری از موارد با یکدیگر تلاقی دارند.

شاید صورت مسئله متفاوت باشد، اما بنیان و ریشه آنها یکی است. برای مثال، ممکن است مسئله

پوشش در تهران به شکلی باشد که در برخی شهرستان‌ها، به دلیل شرایط اجتماعی، هنوز امکان بروز آن وجود نداشته باشد، اما این به معنای تفاوت در ذهنیت دختران نیست. اگر با همان دختر ۲۰ تا ۳۰ ساله در یک شهرستان گفت‌وگو کنیم، خواهیم دید که الزاماً با هنجارهای فرهنگی حاکم بر محیط زندگی خود همسو نیست و ممکن است تمایل داشته باشد سبک زندگی متفاوتی را تجربه کند.

بنابراین شاید ظاهر و صورت مسئله متفاوت باشد، اما در عمق، بسیاری از این مسائل با یکدیگر اشتراک دارند و ریشه‌های مشترکی را دنبال می‌کنند. البته نباید این نکته را فراموش کرد که دغدغه‌ها از شهری به شهر دیگر، از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌تواند متفاوت باشد.

قطعاً دغدغه‌های دخترانی که هنوز در ساختارهای قبیله‌ای زندگی می‌کنند، با دغدغه‌های دخترانی که در تهران زندگی می‌کند، یکسان نیست. در تهران، نظارت خانوادگی کمتر، فضای اجتماعی بازتر و روابط متفاوت‌تر است، اما در بسیاری از شهرستان‌ها هنوز نظارت‌های خانوادگی، قومی و فامیلی وجود دارد و همین موضوع جنس مسائل و دغدغه‌ها را تغییر می‌دهد.

آنچه امروز میان بسیاری از دختران و نوجوانان، فارغ از محل زندگی آنها، مشترک شده، نتیجه جهانی شدن و گسترش رسانه‌هاست. رسانه‌ها باعث شده‌اند افراد از خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی یکدیگر نیز مطلع شوند و همین موضوع در شکل‌گیری خواسته‌ها، انتظارات و دغدغه‌های نسل جدید تأثیر جدی گذاشته است. بنابراین، شاید ظاهر مسائل در شهرهای مختلف متفاوت باشد، اما بخش زیادی از آنها مخرج مشترک دارند و ریشه‌های مشترکی را دنبال می‌کنند؛ هرچند فرهنگ، جغرافیا، ساختار خانواده و شرایط اجتماعی هر منطقه همچنان در شکل‌گیری نوع و شدت این دغدغه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند.

اگر سیاست‌گذاران بخواهند تنها یک مسئله را برای بهبود وضعیت دختران جوان در اولویت قرار دهند، از نظر شما آن مسئله چیست و چرا؟

شیری: به نظر من، اساساً این سؤال از این جهت که بخواهد تنها یک مسئله را به‌عنوان راه‌حل معرفی کند، محل تأمل است؛ زیرا مسائل اجتماعی تک‌علتی نیستند. هر مشکلی که در جامعه وجود دارد، حاصل مجموعه‌ای از عوامل است و نمی‌توان آن را تنها با یک علت یا یک راهکار برطرف کرد.



امروز با مسائل پیچیده، درهم‌تنیده و کلاف‌وار مواجه هستیم. برای حل هر مسئله اجتماعی، ابتدا باید مجموعه علل آن را شناسایی کرد و سپس برای هر یک از آنها برنامه داشت. اگر این اتفاق نیفتد، مسئله به صورت ریشه‌ای حل نخواهد شد. در سال‌های گذشته نیز بارها شاهد بوده‌ایم که برای حل یک مسئله، قانونی تصویب شده یا سیاستی به اجرا درآمده است تا بخشی از حواشی آن کاهش پیدا کند، اما پس از مدتی مشخص شده که همان راهکار، مسائل جدیدی ایجاد کرده و دوباره نیاز به قانون یا سیاست دیگری احساس شده است.

این تجربه نشان می‌دهد که مسائل اجتماعی را نمی‌توان با یک علت یا یک اقدام واحد حل کرد و لازم است مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در کنار یکدیگر قرار گیرند. با این حال، اگر قرار باشد نقطه‌ای را انتخاب کنیم که سیاست‌گذار بتواند با اطمینان بیشتری روی آن سرمایه‌گذاری کند و از آنجا اصلاح را آغاز کند، به اعتقاد من آن نقطه «هویت» است.

هویت زن، هویت دختر و هویت مادر؛ یعنی تصویری که دختران امروز از خود دارند و خودپنداره‌ای که نسبت به جایگاه و نقش خود در زندگی پیدا می‌کنند. اگر بتوانیم این مسئله را بر اساس ارزش‌ها، هنجارها و مبانی فکری و اعتقادی متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌درستی تبیین کنیم، بخش قابل توجهی از مسائل نیز به‌تدریج اصلاح خواهد شد.

البته این اتفاق یک‌شبه رخ نمی‌دهد. نمی‌توان انتظار داشت فردی که ۲۰ سال با یک نظام فکری و هویتی رشد کرده است، ناگهان مسیر خود را تغییر دهد. شکل‌گیری هویت، فرآیندی زمان‌بر است که باید از همان سال‌های نخست زندگی آغاز شود. در این مسیر، خانواده، نظام آموزشی، مدرسه، دانشگاه، رسانه و سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند و هر یک نقش خود را در تربیت و شکل‌گیری هویت دختران ایفا کنند. اگر این مسئله به‌درستی مورد توجه قرار گیرد و هویت دختران بر پایه باورها، ارزش‌ها و فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی تقویت شود، بخش مهمی از بار آسیب‌ها و چالش‌های اجتماعی حوزه زنان نیز کاهش خواهد یافت و بسیاری از مسائل، مسیر حل شدن را پیدا خواهند کرد.

*مهر